

کشمکش عربستان - ایران و پایان آن *حسین موسویان و مهرداد صابری

تهران - ایرنا - به دنبال انتشار مقاله وزیر خارجه ایران در نیویورک تایمز، عادل جیبر وزیر خارجه عربستان با انتشار پاسخی در این روزنامه، اتهامات گستاخانه ای متوجه ایران کرد و به دنبال آن با هزینه دلارهای سعودی، مقالات متعددی در رسانه های آمریکا علیه ایران منتشر شد.

کد خبر: ۸۱۹۷۰۲۱۴ | تاریخ خبر: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰ - ۱۲:۱۰

حسین موسویان معاون پیشین سیاست خارجی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در مقاله مفصل و مستدل طولانی که توسط دانشگاه هاروارد منتشر شد، پاسخ اتهامات وزیر خارجه عربستان را داد.

در این مقاله که با همکاری مهرداد صابری دانشجوی دکترای دانشگاه جان هاپکینز آمریکا تهیه شده، در پاسخ به ادعای عادل جیبر در مورد سیاستهای توسعه طلبانه و تروریستی ایران، آمده است:

پادشاهی عربستان سعودی از بدو تولد همواره نقشی مخرب، بی ثبات کننده، و در مواردی متعدد خارج از عرف، نظام و قوانین بین المللی داشته است ضمن اینکه اتهامات عربستان علیه ایران، هیچ یک از شواهد و مدارک تاریخی پیروی نمی کند.

این مقاله شش نمونه از سیاستهای خصمانه، تجاوز طلبانه و تروریستی عربستان در منطقه به این شرح ذکر کرده است:

- ۱- تجاوز عربستان به یمن که از سال گذشته آغاز شده است، اساسا با آنچه حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس جمهور پیشین و جلوگیری از نقش حوثی ها در کشور تناسبی ندارد، چراکه از لحاظ قانونی دوره ریاست جمهوری هادی در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ به پایان رسیده بود و بعد از آن هم انتخاباتی برای بازگشت مجدد او به قدرت برگزار نشد. ثانيا، جنبش انصارالله و حوثی های زیدی بخش بزرگی از مردم یمن (حدودا ۴۰ درصد) را تشکیل می دهند و برای سالیان دراز تا اوایل دهه ۶۰ میلادی در یمن حکمرانی می کردند. بنابراین نسبت دادن این گروه به عنوان ابزار ایران برای جنگ نیابتی در یمن به طور کلی فاقد مشروعیت است. عربستان از چندین دهه قبل از استقرار جمهوری اسلامی، همواره در یمن با اشکال مختلف از جمله تجاوز نظامی آشکار، حمایت مالی از فرقه ها و گروه های تندرو یک عنصر بی ثبات کننده یمن بوده است.
- ۲- هم زمان با انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و شروع جنگ تحمیلی اندکی بعد از آن، کشورهای حوزه همکاری خلیج فارس (بلاخص عربستان سعودی) با حمایت گسترده مالی و سیاسی از صدام حسین، در جنگی که بالغ بر پانصد میلیارد دلار خسارت برای ایران به بار آورد دخالت مستقیم داشتند. کشتار بیش از ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی در مراسم حج سال ۱۹۸۷ که منجر به قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور گردید را هم باید جزء موارد عدم رعایت حسن همجواری در سیاست های عربستان در سال های اولیه بعد از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران دانست.
- ۳- فشار عربستان به ایالت متحده برای تشدید فشارهای اقتصادی و به راه انداختن جنگ نظامی با ایران!
- ۴- فرستادن نیروی نظامی به بحرین برای سرکوب معترضان به شرایط خفقان سیاسی در آن کشور. ۵- حمایت از دخالت نظامی غرب در لیبی برای سرنگون کردن رژیم معمر قذافی که موجب هرج و مرج در آن کشور گردیده است و
- ۶- حمایت از کودتای نظامی در مصر.

در ادامه این مقاله آمده است:

علاوه بر موارد ذکر شده آنچه عربستان در حمایت از افکار، ایدئولوژی گروه های تندرو و تروریستی در حال حاضر انجام می دهد، نه تنها یک تهدید مستقیم برای امنیت منطقه بوده که به عنوان یک عنصر بی ثبات کننده برای امنیت بین المللی می باشد.

حمایت عربستان، چه به صورت مالی و لجستیکی و چه به صورت ایدئولوژیکی، در ایجاد گروه های تروریستی نظیر طالبان و القاعده بر کسی پوشیده نیست. اما حمایت عربستان از پدیده داعش در عراق و سوریه و همچنین زمینه سازی برای فعالیت این گروه در یمن، لیبی، کشورهای شمال آفریقا و نفوذ بالقوه آن به اروپا، موجب بهانه دخالت قدرت های جهانی در امور خاورمیانه شده است که احتمال شعله ور کردن یک درگیری بزرگتر منطقه ای و فرا منطقه ای را میسر می سازد.

رسوایی سیاست های ریاض یحیی است که موجب واکنش انتقادی ایالت متحده مهمترین حامی بین المللی این کشور شده است. سال گذشته در یک سخنرانی در دانشگاه هاروارد، جو بایدن، معاون ریاست جمهوری آمریکا به نقش مخرب شرکای منطقه ای خود نظیر عربستان و امارات متحده عربی اشاره کرد و افزود که 'بزرگترین مشکل ما در بحران سوریه نه دولت بشار اسد که متحدانمان نظیر عربستان، امارات و ترکیه هستند که صدها میلیون دلار را در حمایت از گروه های به اصطلاح مخالف میانه رو ولی در واقعیت تروریستی داعش و جبهه نصره استفاده کردند.' همچنین هیلاری کلینتون در زمان وزارت خارجه اش، در یک یادداشت محرمانه که اخیراً افشاء شد، تصریح کرده که عربستان منبع اول تغذیه تروریسم در جهان است.

موسویان با تشریح نقش سازنده ایران در ثبات منطقه می نویسد: کنش های منطقه ای ایران چه در افغانستان، چه در عراق و سوریه به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم فروپاشی این کشورها شده است. ایران نقش بسیار تأثیرگذاری را در ثبات سیاسی افغانستان بعد از حمله سال ۲۰۰۱ ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا داشت. روی کار آمدن دولت حامد کرزای (در صورتی که متحدین ایران نظیر ائتلاف شمال و گروه های تاجیک، ازبک و هزاره از قدرت بالایی برخوردار بودند) تا حد بالایی به دلیل موافقت و همکاری گروه های متحد ایران بود.

در عراق و سوریه هم حضور ایران و سیاست های آن از دلایل تعیین کننده عدم فروپاشی نظام های سیاسی و حاکمیت ملی این دو کشور بوده است. به طور مثال سیاست کشورهای جهان غرب و آمریکا که بر مبنای حذف بشار اسد بود، اکنون به صورت چشمگیری به دیدگاه ایران نظیر آتش بس، تشکیل دولت وحدت ملی متشکل از حاکمیت فعلی و گروه های مخالف، فراهم کردن زمینه دوره انتقالی و در نهایت برگزاری انتخابات سراسری تحت نظارت بین المللی نزدیک شده است. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، نیز در نشست گروه های مخالف در عربستان که در ژانویه سال جاری صورت گرفت 'نزدیک شدن الویت های گروه های مخالف و شورش به نقشه راه صلح مورد حمایت ایران و روسیه را شرط شرکت این گروه ها در گفتگوهای صلح عنوان کرد.'

آقای ظریف وزیر خارجه ایران تصریح کرد که ایران دنبال تقابل با عربستان نیست. اما عربستان چنین سیاستی را در مورد ایران دنبال نمی کند. با وجود حمایت سعودی از تجاوز صدام با ایران و کشتن و زخمی کردن حدود ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی، تهران دنبال ایجاد همکاری منطقه ای برای صلح بود. همچنین در سال ۱۹۹۸، جمهوری اسلامی بسته امنیتی با عربستان را توسط رئیس جمهور فعلی ایران، حسن روحانی، به امضا رساند. عربستان از عمل به تعهدات خود در سالهای بعد تخطی کرد زیرا اکنون اسناد ویکی لیکس فاش ساخته که عربستان به آمریکا برای حمله به ایران فشار آورد.

در شرایط فعلی که تنش بالا در روابط ایران و عربستان به دلیل کشته شدن ۴۶۰ تن از حجاج ایرانی در حادثه حج امسال و عدم یک عذر خواهی ساده از سوی ریاض، شرایط بدتر شده است و باید به این تقابل خاتمه داده شود.

این مقاله در پایان در مورد راه برون رفت تقابل ایران و عربستان می گوید: در نهایت 'بازی سرزنش متقابل' نمی تواند بازی آخر بین دو کشور باشد. مقامات ایران در غالبترین سطوح آماده حل اختلافات با عربستان از طریق دیپلماسی هستند. رهبری عربستان هم باید سیاست حاصل جمع صفر را کنار گذاشته و برای حل مشکلات وارد گفتگوی مستقیم با ایران شود. قدم اول میتواند احیاء توافقنامه امنیتی ایران و عربستان است که در سال ۱۹۹۸ توسط دکتر روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و رئیس جمهور فعلی ایران به امضاء رسیده است.

قدم دوم گفت و گو و همکاری دو کشور برای ایجاد یک سیستم همکاری منطقه ای جامع بین ایران، عراق و کشورهای حوزه همکاری خلیج فارس (GCC) در مورد همکاریهای سیاسی، امنیتی اقتصادی و فرهنگی از جمله مبارزه با تروریسم و عاریسازی منطقه از سلاحهای کشتار جمعی، می باشد.

الگوی مذاکرات هسته ای که به یک توافق برد-برد منجر شد، الگوی مناسب است. برجام بدون باور به تفکر برد-برد قطعاً دست یافتنی نبود، تفکری که ایران همیشه به آن پایبند بوده است.

متن کامل مقاله به شرح ذیل است:

کشمکش عربستان - ایران و پایان آن
حسین موسویان و مهرداد صابری

چندی پیش وزیر امور خارجه عربستان، عادل الجبیر، در یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز بر آنچه 'لزوم پایبندی ایران به قوانین بین المللی، پرهیز از سیاست های هژمونیک و توسعه طلبی سرزمینی' خواند، تاکید کرد. او در ادامه با متهم کردن ایران به 'فعالیت های تروریستی' برپیشبرد اهداف منطقه ای خود اشاره کرد. طرح این اتهامات در فضای مملو از خشونت و هرج و مرج در گوشه و کنار جهان عرب، ضرورت نگاه واقع بینانه به این سیاست و جهت گیری عربستان را نمایان می سازد.

او گفت: 'ایران باید بین نظام وستفالی (Westphalian System) (اصل حاکمیت دولت ملت و عدم مداخله در کشورهای دیگر) و رفتار انقلابی خود یکی را انتخاب کند.' شبیه این عبارت که در ماه های اخیر بارها از سوی مقامات سعودی در رابطه با ایران مطرح شده است، یاد آور نظریات وزیر خارجه اسبق آمریکا، هنری کیسینجر، در کتاب نظم جهانی می باشد. در این کتاب، هنری کیسینجر ضرورت انتخاب ایران بین یک کشور انقلابی - ایدئولوژیک یا یک کشور عادی را مطرح می کند. البته آنچه وزیر امور خارجه عربستان سهواً یا عمداً از کتاب کیسینجر در رابطه با ایران از قلم انداخته است، باور نویسنده کتاب به این است 'که در میان کشورهای منطقه، ایران طولانی ترین تاریخ و منطقی ترین درک را از کشور داری را داراست' و بعد این جمله را ذکر می کند که 'برای کشورها، تاریخ نقشی را بازی می کند که شخصیت و کاراکتر برای انسان ها.'

آنچه که تاریخ درباره ویژگی های عربستان به عنوان یک کشور می گوید آن است که از بدو موجودیت به عنوان کشور پادشاهی

عربستان سعودی همواره نقشی مخرب، بی ثبات کننده، و در مواردی متعدد خارج از عرف، نظام و قوانین بین المللی داشته است و اتهاماتی که عربستان درباره ایران مطرح می کند، اساساً از هیچ یک از شواهد و مدارک تاریخی پیروی نمی کند. به عنوان مثال، تجاوز عربستان به یمن که از سال گذشته آغاز شده است، اساساً با آنچه حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس جمهور پیشین و جلوگیری از نقش حوثی ها در کشور تناسبی ندارد، چراکه از لحاظ قانونی دوره ریاست جمهوری هادی در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ به پایان رسیده بود و بعد از آن هم انتخاباتی برای بازگشت مجدد او به قدرت برگزار نشد. ثانیاً، جنبش انصارالله و حوثی های زیدی بخش بزرگی از مردم یمن (حدوداً ۴۰ درصد) را تشکیل می دهند و برای سالیان دراز تا اوایل دهه ۶۰ میلادی در یمن حکمرانی می کردند. بنابراین نسبت دادن این گروه به عنوان ابزار ایران برای جنگ نیابتی در یمن به طور کلی فاقد مشروعیت است. عربستان از چندین دهه قبل از استقرار جمهوری اسلامی، همواره در یمن با اشکال مختلف از جمله تجاوز نظامی آشکار، حمایت مالی از فرقه ها و گروه های تندرو، یک عنصر بی ثبات کننده یمن بوده است.

هم زمان با انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و شروع جنگ تحمیلی اندکی بعد از آن، کشورهای حوزه همکاری خلیج فارس (بلاخص عربستان سعودی) با حمایت گسترده مالی و سیاسی از صدام حسین، در جنگی که بالغ بر پانصد میلیارد دلار خسارت برای ایران به بار آورد دخالت مستقیم داشتند. کشتار بیش از ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی در مراسم حج سال ۱۹۸۷ که منجر به قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور شد را هم باید جزء موارد عدم رعایت حسن همجواری در سیاست های

عربستان در سال های اولیه بعد از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران دانست. در سال های اخیر هم مواردی هم چون فشار عربستان به ایالت متحده برای تشدید فشارهای اقتصادی و به راه انداختن جنگ نظامی با ایران، فرستادن نیروی نظامی به بحرین برای سرکوب معترضان به شرایط خفقان سیاسی در آن کشور، حمایت از دخالت غرب در لیبی برای سرنگون کردن رژیم معمر قذافی که موجب هرج و مرج در آن کشور گردیده است و همچنین حمایت از کودتای نظامی در مصر، از جمله مواردی هستند که باید به سیاهنامه فعالیت های بی ثبات کننده و خارج از عرف و قوانین بین المللی عربستان اضافه نمود. علاوه بر موارد ذکر شده، آنچه عربستان در حمایت از افکار، ایدئولوژی گروه های تندرو و تروریستی در حال حاضر انجام می دهد، نه تنها یک تهدید مستقیم برای امنیت منطقه بوده، که به عنوان یک عنصر بی ثبات کننده برای امنیت بین المللی است. حمایت عربستان چه به صورت مالی و لجستیکی و چه به صورت ایدئولوژیکی، در ایجاد گروه های تروریستی نظیر طالبان و القاعده بر کسی پوشیده نیست. اما حمایت عربستان از پدیده داعش در عراق و سوریه و همچنین زمینه سازی برای فعالیت این گروه در یمن، لیبی، کشورهای شمال آفریقا و نفوذ بالقوه آن به اروپا، موجب بهانه دخالت قدرت های جهانی در امور خاورمیانه شده است، که احتمال شعله ور کردن یک درگیری بزرگتر منطقه ای و فرا منطقه ای را میسر می سازد.

رسوایی سیاست های ریاض یحیی است که موجب واکنش انتقادی ایالت متحده مهمترین حامی بین المللی این کشور شده است. سال گذشته در یک سخنرانی در دانشگاه هاروارد، جو بایدن، معاون ریاست جمهوری امریکا به نقش مخرب شرکای منطقه ای خود نظیر عربستان و امارات متحده عربی اشاره کرد و افزود که 'بزرگترین مشکل ما در بحران سوریه نه دولت بشار اسد که متحدانمان نظیر عربستان، امارات و ترکیه هستند که صدها میلیون دلار را در حمایت از گروه های به اصطلاح مخالف میانه رو ولی در واقعیت تروریستی داعش و جبهه نصره استفاده کردند.' همچنین هیلاری کلینتون در زمان وزارت خارجه اش، در یک یادداشت محرمانه که اخیراً افشاء شد، تصریح کرده که عربستان منبع اول تغذیه تروریسم در جهان است.

همانطور که قبلاً اشاره شد، کنش های منطقه ای ایران چه در افغانستان، چه در عراق و سوریه به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم فروپاشی این کشورها شده است. ایران نقش بسیار تأثیرگذاری را در ثبات سیاسی افغانستان بعد از حمله سال ۲۰۰۱ ائتلاف بین المللی به رهبری امریکا داشت. روی کار آمدن دولت حامد کرزای (در صورتی که متحدین ایران نظیر ائتلاف شمال و گروه های تاجیک، ازبک و هزاره از قدرت بالایی برخوردار بودند) تا حد بالایی به دلیل موافقت و همکاری گروه های متحد ایران بود. در عراق و سوریه هم حضور ایران و سیاست های آن از دلایل تعیین کننده عدم فروپاشی نظام های سیاسی و حاکمیت ملی این دو کشور بوده است. به طور مثال سیاست کشورهای جهان غرب و امریکا که بر مبنای حذف بشار اسد بود، اکنون به صورت چشمگیری به دیدگاه ایران نظیر آتش بس، تشکیل دولت وحدت ملی متشکل از حاکمیت فعلی و گروه های مخالف، فراهم کردن زمینه ی دوره انتقالی و در نهایت برگزاری انتخابات سراسری تحت نظارت بین المللی نزدیک شده است. جان کری، وزیر امور خارجه امریکا، نیز در نشست گروه های مخالف در عربستان که در ژانویه سال جاری صورت گرفت 'نزدیک شدن الویت های گروه های مخالف و شورش به نقشه راه صلح مورد حمایت ایران و روسیه را شرط شرکت این گروه ها در گفتگوهای صلح عنوان کرد.'

آقای ظریف وزیر خارجه ایران تصریح کرد که ایران دنبال تقابل با عربستان نیست. اما عربستان چنین سیاستی را در مورد ایران دنبال نمی کند. با وجود حمایت سعودی از تجاوز صدام با ایران و کشتن و زخمی کردن حدود ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی، تهران دنبال ایجاد همکاری منطقه ای برای صلح بود. همچنین در سال ۱۹۹۸، جمهوری اسلامی بسته امنیتی با عربستان را توسط رئیس جمهور فعلی ایران، حسن روحانی، به امضا رساند. عربستان از عمل به تعهدات خود در سالهای بعد تخطی کرد زیرا اکنون اسناد ویکی لیکس فاش ساخته که عربستان به امریکا برای حمله به ایران فشار آورد.

در شرایط فعلی که تنش بالا در روابط ایران و عربستان به دلیل کشته شدن ۴۶۰ تن از حجاج ایرانی در حادثه حج امسال و عدم یک عذر خواهی ساده از سوی ریاض، شرایط بدتر شده است. در نهایت بازی سرزنش متقابل تمیواند بازی آخر بین دو کشور باشد. مقامات ایران در عالیترین سطوح آمده حل اختلافات با عربستان از طریق دیپلماسی هستند. رهبری عربستان هم باید سیاست حاصل جمع صفر را کنار گذاشته و برای حل مشکلات وارد گفتگوی مستقیم با ایران شود.

قدم اول می تواند احیاء توافقنامه امنیتی ایران و عربستان است که در سال ۱۹۹۸ توسط دکتر روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی

و رییس جمهور فعلی ایران به امضاء رسیده است.
قدم دوم گفت و گو و همکاری دو کشور برای ایجاد یک سیستم همکاری منطقه ای جامع در مورد همکاری های سیاسی، امنیتی اقتصادی و فرهنگی از جمله مبارزه با تروریسم و عاریسازی منطقه از سلاحهای کشتار جمعی، بین ایران، عراق و کشورهای حوزه همکاری خلیج فارس (GCC) است.
الگوی مذاکرات هسته ای که به یک توافق برد-برد منجر شد، میتواند الگو قرار گیرد. برجام بدون باور به تفکر برد-برد قطعاً دست یافتنی نبود، تفکر برد-برد مسیری است که ایران همیشه به آن پایبند بوده است.
سیام * ۶۰۸۴ / ۱۴۴۹

انتهای پیام / *